

چنانکه میتوان گفت غالب آثار معتبر این نویسنده هورار دسترس استعاده عمومی بدور افتاده و بصورت خطی باقی مانده است

نویسنده در تحقیقی که برای تالیف کتابی در تاریخ تطور شرفارسی جدید پارسه سال پیش تکمیل کرد میگردم متوجه به اهمیتی که اسلوب ملکم در این جزء از زمان پیدا کرده شدم و همچنین در ضمن مطالعاتی که برای تدوین کتاب تاریخ زندگی «سید جمال الدین» میسودم به هیران تأثیری که ملکم در بیداری مردم ایران و آماده کردن ایشان جهت قبول تحول اوضاع داشته بر خوردم و پس از آنکه تاریخ و رحمت بسیار در محارر کتب عمومی و خصوصی به غالب آثار موجود خطی او دست یافتم و از هر یک برای کتابخانه خویش نسخه برگزفتم در بعم آمد که هموطنان عزیز از مطالعه و استعاده این آثار محروم نماسد بدین نظر در مجموعه آثار ملکم آن قسمت را که او برای طرح نقشه های اصلاحی و دعوت شاه و ملت به قبول نظم و اصول تمدن جدید نوشته است در این مجلد گردهم آورده تقدیم خوانندگان ارجمند می کنم و بصر دارم بواسطه غم افتادگی این مملکت مسائلی که در این نوشته ها مورد بحث قرار گرفته عالماً هورار مقوله مسائل جاری و مشکلات روز تاریخ ایران معاصر بشمار می آید

همچنین می خواهم در جلد دوم، آثار مربوط به سیاست خارجی و اقتصادی و اقتصادی او را و در جلد سوم آثار اجتماعی و ادبی و تاریخی را بهمین ترتیب انتشار بدهم و در جلد چهارم بیکلیه مقالات پراکنده و شماره های روزنامه قانون را بصورت تازه برای مرید استعاده خوانندگان در آورم

۸ - قسمت اول از آثار او

برای تنظیم صورت جدیدی از کلیه آثار موجود ملکم ناگزیر از

قبول این ترتیب شدیم که هر دسته از رسائل و آنچه آورد که در پیرامون
يك موضوع اساسی مخصوصی دور میرسد در پہلوی هم قرار داده بصورت
فصل علی حده یا قسمت خاصی در آوریم تاخوانندگان بجای تفرقه و تشتت
دهن در موضوعات مختلف متواضع کلیه اقوال و آراء را در باره يك موضوع
مخصوصی پشت سر هم از نظر مطالعه بگرداند

برای مراعات این اصل کلیه رسائل و دفترهایی را که درباره لروم
اصلاح دستگاه دولتی و طریقه اصلاح و تنظیم آن برشته تحریر در آورده و
عجالة در دست رس مقرر گرفته است در حلد اول از مجموعه آثار او
مدین تفصیل قرار میدهم

۱ - کتابچه غیبی یا دفتر تنظیمات

این رساله قدیمتر من اری است که از ملکم باقی مانده و سیاق مطلب
و اشاره به قرائن و اوصاف و احوال شان میدهد که باید آنرا پس از هر راحت
از سفر برگردانده در فاصله سالهای ۱۲۷۵ و ۱۲۷۶ نوشته باشد کهبه ترین
سخنه مصوطی که برای طبع در این حلد از آن استفاده کردیم سخنه
مجلس است که از قرار قرائن موجود نماند پیش از ۱۲۷۸ نوشته شده
باشد سخنه دیگری که متعلق به عهد الدوله بوده و فعلا در کتابخانه
ایجاب است سال ۱۲۹۱ نوشته شده و از تطبیق این دو سخنه با سخنه
مجموعه کتابخانه ملی ملک که در سال ۱۳۱۴ قمری نوشته شده متن اساس
این چاپ بوجود آمده است

۲ - رفیق و وزیر

این مساحنه و سؤال و جواب را ملکم برای توضیح مطالب کتابچه غیبی

تحت عنوان رفیق و وزیر نگاشته تا کمکی سهولت فهم مطالب آن کند، متأسفانه در طبع معلوظی که از این رساله در ضمن کلیات شده چون توحیی بحسب ارتباط کامل آن با دفتر تنظیمات مکررده و متن آن را حد اکثر متن کتابچه عیسی انتشار داده اند متأسفانه سطر کسی که هنوز کتابچه عیسی را ندیده و از مطالب آن استنباط کرده است قدری بیسابقه و مبهم و بیارمند شرح و تفصیل جلوه میکند رفیق و وزیر در این چاپ که نسخه خطی کتابخانه محیط اساس قرار گرفته و با نسخه چاپی و جدیدی نسخه خطی دیگر مطابقت شده علاوه بر اینکه در رساله کتابچه عیسی واقع گشته از نظر صحت روایت نیز کاملاً مورد توحه قرار گرفته است

۳ - دستگاه دیوان

این رساله در غالب مجموعه‌ها بدون اسم نقل شده و تنها در مجموعه کتابخانه ملی ملک آن را بدین نام خوانده و با مراجعه به مطالب آن جمعیه اسمی نامسمی می‌باشد متنی که در این مجموعه انتشار یافته با مراجعه و مطابقت نسخه‌های کتابخانه ملک و محیط فراهم آمده است

۴ - انتظام لشکر و مجلس تنظیمات

که در جمعیه اسم دیگرش تنظیم لشکر و مجلس اداره می‌باشد رساله در توضیح و تکمیل مطالبی است که در کتابچه عیسی طرح شده و در کتابچه‌های «رفیق و وزیر» و «دستگاه دیوان» سپس و تفسیر یافته است این رساله در مجموعه کلیات چاپ طهران و تشریح و ارد اسب ولی بیك مراجعه بدین متنی که از روی نسخه کتابخانه محیط استنساخ و چاپ شده و مطابقت آن با نسخه‌های چاپی و خطی دیگر معلوم می‌سازد که این رساله

(مع)

چرند این صورت موجود بهیچوجه دیگر قابل استفاده نبوده و نخواهد بود

۵ - دفتر قانون

این رساله را با خودی که ناشر کلیات ملکم به اهمیت انتشار آن در آغاز تأسیس مجلس شوری و وضع قوانین سروری پی برده و از بطور دور داشته است اتفاقاً در همان اوان مورد توجه کلیه کسانی قرار گرفته که در موضوع قوانین خرائی مطالعاتی میکرده اند و در نامه های تمدن و برقی و معارف و بنای وطن در صدد انتشار آن بطور متفرق در شماره های متوالی خود بر آمده اند ولی هیچیک بیش از قسمت کوچکی از آنرا نشر نداده و این توفیق را برای ناشر این مجموعه باقی گذارده اند

۶ - نوم و یقظه

این رساله و یا مقاله را از مجموعه کتابخانه ملک استساح کردیم و چون در مجموعه های دیگر از آثار ملکم نسخه ای از آن بیافتیم با قصد تردید آنرا بیجا بچانه فرستادیم ولی در ضمن طمع، مجموعه ای از کتابخانه آقای اعرار نفی در دسترس مآقرار گرفت که مشتمل بر این رساله هم بود و در آخر آن تصریح بر اینکه اثر میرزا ملکم خان است داشت مؤلف و یا ناشر کتاب «اراهیم یک» تصریحاً این قطع را با قسمتی از رساله «پلیتکهای دولتی» در آخر جلد اول کتاب هر نورشل و صیقل کرده است

۷ - منافع آزادی

شرحی است که ملکم خان از نوشته های استوارب میل نویسنده انگلیسی و شاید کتاب آزادی او ترجمه و اقتباس کرده و در مجموعه های

کتابخانه ملی ملک و کتابخانه اعرار ثقی که قضا را هر دو در قفقاز نوشته شده و خود دارد، منتهی بدون عنوان و در این چاپ عنوان از جامع است

۹ - کلمات متخیله

چند سطر است راجع به ظلم و ظالم و مظلوم که با وجود اختصار و ایجاز، بیان آن در روزگاری که مردم از بیم ظلم پادشاه وقت راه عزت میگریخته اند عملی شهادت مندانه بوده است و از روی سسخه کتابخانه ملی ملک به رهنمایی دوست محبور عزیز آقای سپیلی حواساری در این مجموعه نقل شد

۹ - حریت

قطعه ای است که از گفتار میر ابو ترجمه شده و از این دو مجموعه احیرالدکر نقل گردید این عنوان را نیز جامع از فحوای مطلب بیرون آورده است

۱۰ - اشتہار نامہ اولیای آدمیت

اشتهار نامہ باصطلاح عصر ناصری یعنی متحد المال و تعبیر امروز محشامه است، این معالہ را در رهنمون عنوان میرزا ملکم خان پس از کشته شدن ناصرالدین شاه و جلوس مظفرالدین شاه برای رفع سوء تعاهمهایی که بین او و دربار شاهی و خود داشت بوش و در لندن بچاپ رسانید و تا بران فرستاد

این اشتہار نامہ مدتها همچون نمونه ترجمه شده ای از اشاء احتمالی و سیاسی عصر مظفری وارد زبان خوانان آراد یحواہ بود و پس از مرگ مظفرالدین شاه باز دیگر سید حسن کاسابی آنرا با اندک تغییری در حمل

لمتین طهران بدون ذکر نام نویسنده انتشار داد ولی ظن به آشنایی کامل
 ریاب اطلاع و سیاست در آن عصر باسیاق و اسلوب تحریرات ملکم گویی
 احتیاجی معرفی نویسنده آن نبود نسخه ای از این اشعار نامه که در لندن
 بچاپ رسیده ، دوست ارجمند فاضل آقای صهارت الله حمالی برای استفاده
 این حاش از اسدآباد همدان فرستاده اند که اینک همان متن در این
 مجموعه بچاپ رسیده است

۱۱ - راجع به استقراض خارجی

این عنوان را ما از مدلول و فحوائی نامه ای که میرزا ملکم خان
 در آخرین سال از عمر خوش به وزارت خارجه ایران نوشته و بر موضوع
 قرض گرفتن از دولتهای خارجی اعتراض کرده اسب استخراح نمودیم چون
 اندیشه حام و ام اروپائیگان همیشه مرکور خاطر رمامداران ایران بوده
 است زیرا که اسلاف ایشان از قرضهای سابق بر بان دولت و ملت ایران استفاده
 جاوادگی و شخصی کرده اند، بدین نظر تجدید چاپ آن در این مجموعه
 همین ایام بطور بسیار مناسب جلوه میکند

۱۲ - ندای عدالت

در سال ۱۳۲۳ که مظفرالدین شاه برای مر سه سوم آجرین سیر
 در سیاحت را در فرنگستان میکرد و ملکم خان بیر به سمت وزیر محتاری
 ایتالیا با شاه در برخی گردشها همراه میشود بجهتی که در مقدمه ذکر شده
 این رساله را برای نمودن راه سعادت و اصلاح اوضاع در دو قسمت تحریر
 نموده و تقدیم کرده است در همان سال ۱۳۲۳ در نامه حبل المتین
 کلکه سخته ای از آن را بدست آورده و بدون ذکر نام نویسنده انتشار داد

۱۲

قضا را انتشار کامل این رساله اندکی پیش از هیجان طلب برای گرفتن
مشروطیت انجام یافت و از قرار معلوم در همان او ان صورت دفتر جدا گانه ای
در تهران بچاپ رسیده که متأسفانه ما را بدان دسترسی حاصل شد.
در این مجموعه، نسخه کتابخانه محیط با صورتی که در حجل المتین انتشار
یافته اساس چاپ قرار گرفته است

۱۳ - رساله غیبیه

ناشر کلیات چاپ تهران این رساله را در مجموعه خویش سام
میرزا ملکم خان آورده و پس از انتشار شرحی که در مقدمه آن ذکر یافته
مورد اعتراض صریح و کتبی ملکم قرار گرفته است تا و خود بیکه اسلوب
نگارش خود بهترین دلیل است بر اینکه رساله غیبیه از آن ملکم بوده و
شاید در قفقاز یکی از پیروان سک و اسلوب تفکر او آ بر همان اساس
نظم جدید ملکمی نگاشته باشد برای اینکه متن آن در دست خوانندگان
این مجموعه باشد بصورت ملحقات خارج از شماره صفحات اصلی کتاب،
تا صفحه شماری جدا گانه انتشار یافت و در صورتیکه نسخه «نوم و بیضه»
کتابخانه نهمی اعرار بنسب میآمد آ بر اهم در حر و ملحقات قرار میدادیم

۱۰- جلد دوم

این جلد اول از مجموعه آثار ملکم که تا آنچه معروف به جلد اول کلیات است حدود دو رساله، حبه مشترکی ندارد و مشتمل بر چند رساله خطی چاپ شده اوست و با وجود دقت کاملی که در تنظیم و ترتیب و تصحیح آن مبذول داشتیم متأسفانه سخوی که دلخواه ما بود از کار در نیامد و از حیث کاغذ و چاپ منظور ما را تأمین نمیکند بار هم بر کلیه نسخ خطی و چاپی آثار ملکم مرایائی دارد که بر مطالعه کنندگان پوشیده نخواهد ماند *

خواشی این کتاب هر جا که با کلمه «مؤلف» یا حرف «م» همراه است از خود ملکم و بقیه حر یکی دو فهره که از حاشیه برخی نسخه‌های خطی نقل کرده‌ایم مربوط به جامع می‌باشد

با وجود کمال دقتی که در غلطگیری شد بار ناگزیر از ترتیب غلطنامه شدیم و مقدمه‌ای که در تاریخ زندگی و بحث آثار و اعمال ملکم فراهم آمد به اندازه‌ای تفصیل یافت که ناگزیر از تفکیک و تاجیص شدیم و در آثار و جلدات دیگر قسمتهائی را که مربوط به موضوع رسالات و مقالات همان حره است خواهیم افزود

امیدواریم در جلد دوم از این مجموعه،

قسمت دوم - آثار سیاسی ملکم را که مشتمل بر

بر حبه و صیب نامهٔ فؤاد پاشا - تسخیر مرو و ترکمان - سیاستهای

دولتی است،

و قسمت سوم - آثار اقتصادی او را که مشتمل بر

حرف عرب - تأسیس بانک - صورت مذاکرات مجلس شورای

دولتی دربان بانک - اصول تمدن میباشد ،

وفسیت چهارم - آثار انتقادی او مشتمل بر

مسائل عامه - چهارچشمان - مرآت الملها - اصول مذهب دیوانیان -

سؤال و جواب دولتی ،

که جمعاً تعداد صحاح آن از این حلد افرو شرح خواهد بود با

تکمله ای درباره تاریخ بدگانی ملکم و سحسی چند راجع به کارهای اجتماعی

واقضادی او در آینده بر دیگری از نظر مطالعه خوانندگان بگذریم

انشاء الله تعالی .

طهران پنجم مرداد ماه ۱۳۲۷

محمد - محیط طباطبائی

تکمله صفحه (لاج) سطر چهارم

در آغاز مشروطه یکی از شاگردان قدیم ملکم^(۱) ویوستگان به فراموش
خانه او در تهران تعلیم از «اصول آدمیت» استاد خویش، نام «اصول
مدنیت» طرح نوی افکند که مشتمل بر همان مصادی و مباحثی و افکار
ملکمی بود در حقیقت این دستگاہ «مدنیت» را مقابل دستگاہ «آدمیت»
عباسقلیخان قزوینی ایجاد کرد ولی ششیده شد که بانی «مدنیت» نواسته
باشد نقشه خود را از فکر به مرحله عمل در آورد

بازی، در جزء چهارم از «مجموعه مدنیت» مؤلف بهمانستی از
میرزا ملکمخان یاد میکند و در باره فراموشخانه او که خود مدعی سنگی
ویوستگی بناست چنین میویسد

«چهل و پنج سال قبل، بل بیشتر، در سینه هر اردو دوست و همتاد و
همب میرزا ملکمخان در طهران فراموشخانه ای سا کرده بود، قریب پانصد
مهرم شاگردان پسران امرا و اعیان و فضلا و صحار و عیره از هر طبعه جمع
شده مشغول درس تربیت و تهذیب اخلاق و تحصیل مراتب مدنیت و تکمیل
شرایط و لوازم اسباب و آدمیت بودند، نگارنده بپیشاگرد مدرسه و
حرفه تالافه بود، فی الحمله اطلاعی داشب و بالسمه طرف میل و وثوق بود
و در امتحان داده بود تا اینکه علمای عظام طهران متعماً بمقام مع و تکمیل
برآمدند و با هیئت اجتماع مدرسه و فراموشخانه را حراب کرده آتش
زدند و باحالك بكسان نمودند و اساس را برچیندند همه شاگردها هم هر کدام
به طرفی فرار کرده رفتند خود ملکم بپرفرار نموده به شاهزاده عبدالعظیم
رفته آساحتحصن گردیدند و آساحتحصن فرگستان رفت»

۱ - این شخص سرور محمدخان نام و باطلم در لقب داشته و تبریزی بوده است
و نوشته از حالی از گرامکونی و خیالنامی و اسبابه برداری است

کتابچہ غیبی

ب

دفتر تنظیمات

جناب مشیرالدوله^۱

اشخاصی که شمارا شناخته اند تأسف دارند که شما پیر شده اید
لی تأسف من در این است که شما چرا حسته شده اید قلوبی که
میرت و تعصب سرشته باشد پیری ندارد، پیری این نوع قلوب در
حستگی و مأیوسی است دولت ایران بلاشک باحوش خطرناک
است و حستگی مثل شما طبع دلیل بر بهایب خطر است مرزگان
دولت، بعضی بواسطه عدم لازمه شعور، برخطر حسانت دولت ملتفت
نیستند، بعضی هم بواسطه نقص دولتخواهی حرا ب اظهار آبر را ندارند
و عالماً دررفع امراض دولت عبر کافی بل بغایب ناقابل هستند شما اولین
شخص ایران هستید که بواسطه اطلاعات خارجه و کمایب ذاتی و اعتبار
س و صانع دولتخواهی میتوانید بدون خطر بیان حقیقت نمائید و با کمال

۱ - مشیرالدوله سررا حهر جان مهندس تدریری است که در ارضه
هراب ووشهر و عمل سررا آفاجان بوری و تحول اوصاف سیاسی سموت راست
دارالشورای دولتی و با اصطلاح امروز ریاست وررا را نام و باسال ۱۲۷۲ در
این مقام باقی بود ملکم در همین سالها دهر عینی را بوسیله ای خواسته بشاه که
در سببه شکست اوشهر و تطیبه هراب در جوش تحول فکر و حاضر برای تعذر
اوصاف شده بود برساند مشیرالدوله که چند سال در انگلستان تحصیل کرده و عالماً
در عنوان سعادت ممالک اروپا را دیده بود برای تلمیح این کتابچه ب نظر ملکم از
ازوررای دیگر است بر آمده و این نامه را به او نوشته و عن آن را در مقدمه
کتابچه عینی افروده است.

حرأب معام راهمائی دولت بر خیرید علیلی مراح شما و قرب اجل
 بحب سکون شما عذر کافی بسبب زیرا که همین حالت طاهری شما
 بهترین معویہ اقبال شما خواهد بود لہذا بر عرب و دولتخواہی شما
 لازم است کہ پیش از مایوسی یکدفعہ کل قوای خود را جمع بنمائید و
 یک شور آجری میان این وررا بیدارید شاید دردم آحر، آتش قلب
 سما در قلوب ایشان تأثیری نماید چون هنگام خطر بر هر یک از اهل
 کشتی لازم است کہ ہمدرد فانیب خود در حفظ کشتی بکوشد، لہذا سندنہ
 میر کہ از ملاحظات این کشتی طوفان زده دولت ہستم از طرح بحاب این
 کشتی نمونہ عرص کردہ ام، ولی ہر حہ باطراف نگاہ میکنم، میبیم زبان
 مرا بحر شما کسی نخواهد فہمید، لہذا نمونہ طرح خود را انہاد خدمت
 جناب عالی میدارم

اسم من بحب دلیل بی عرصی محفی خواهد ماند*

کتابچہ ۱ کہ ملاحظہ خواہید فرمودہ سمی نوشته شدہ کہ یا باید
 مصف آردا احراج باد کرد، ناآنکہ اقوال اورا نا کمال احترام قبول نمود*
 جناب سمارا در حکم این دو حالت محترامیسارم، ہر گاہ حسارت مرا
 مستوحب تنیہ بنادید ہماں ساعت اسم خود را برور خواہم داد واگر
 این حرئی حاصل رحمت حدیں سالہ ہر اقبال التفات بشمارید، تحسن
 عایانہ شمارا بہترین احر خود خواہم دانست اسدعائی کہ دارم این
 است کہ ناسہرور دیگر کتابچہ را بطر سندگان اقدس ہمایون شاہشاهی^۱
 روحافدایہ برسانید و بحامل آن رد بنمائید تاچار روز دیگر در ہر صورت
 کتابچہ بطر ہمایون خواهد رسید^۲

۱ - ناصر الدین شاہ *

۲ - اشارہ بقود و تأثیر محفی خود در مردمان دربار بادشاهی میکند *

ایران نظم بر نمیدارد!

به خیر چنین نیست، حداقل اغلب اعتشاش بیست و ایران نظم پذیر هست، سهل است اسمایی که برای ترقی ایران فراهم آمده است در هیچ ایام برای هیچ علت مبسر بوده است. انتظام دول همیشه موافق کلی داشته است، گاهی حملات مخالف عمل پادشاه بوده است، گاهی عملت پادشاه سبب ترقی ملت بوده است. وقتی سلطان محمود^۱ در حیات انتظام دولت عثمانی بود، سکه جریها^۲ در حیات حسن او بودند. یکوفی بحسب تصبیح تنظیمات حدیده فراسه مدی بیست سال کل دول فریک بر فراسه ها جمله آوردند^۳ الان هم در هر یک از دول یوروپ^۴ بحسب وضع هر قانون صد نوع مانع ظهور میکند.

دولت ایران اول دول روی زمین است که بدون هیچ مانع مستعد قبول هر نوع تنظیم میباشد. امیب درونی، آسایش خارجه، سلطان پرستی ملت، همب و کعبای پادشاهی، متابعت و دولتخواهی علماء، ترعیب و اعانت دول دوست، سکوت دول بدخواه، جمیع اسباب ترقی برای ایران

۱ - پادشاه عثمانی که در صدد اصلاح نظام آمد.

۲ - سکه جری و شون دار طلب قدیم عثمانی است.

۳ - سردار دول اروپا بر صدها میلیون فراسه که با دوره ناپلئون

ادامه یافت. ۴ - اروپا

فراهم است دولت ایران بلا حرف هر گز بهتر از امر و پادشاهی پادشاه است
 خیلی نعمت است که در يك ملتی شخص پادشاه هم بر حسب عقل طبیعی، هم بر
 حسب استحصار خارجی از جمیع و برای خود برتر باشد عموم سلاطین فرنگ
 مگر مطیمان و برای خود بوده اند و امروز پادشاه ایران و برای خود
 زانو و رو نشطیمان میسرند در فرنگ طالب نظم بودن و پادشاه عادل شدن
 تعجب نیست، زیرا که برای سلاطین فرنگ اختیار طرز دیگر ممکن نیست
 ولی در ایران اختیار مال و جان نیست که در حق را بدون هیچ مدعی بدست
 خود گرفتار و از طفولیت محل پرستش حلق بودن و با وصف حملات
 متملین از حالت اسایب بیرون رفتن سهل است با عدم مری در علوم و
 رسوم خارجه بر کل اعیان دولت تفوق حسش و به تنهایی بمقام نجات دولت
 برخاستن خیلی تعجب و برای ایران جای هزار تهمید است ولیکن
 برگزیده آن به حسب در این است که ما و خود حسین پادشاه بصیر و باهوش و با
 وصف اقسام اسباب برقی امروز دولت ایران مکتوب دول اطراف و گرفتار
 انواع دلت است

صد و پنجاه هزار رعیت ایران ذره بیه ترین اسیری میباید • بیح
 هزار سرباز هندی کل مادر ایران را زیر و زبر میباید دولت فرانسه
 سالی پانصد کرو در مالیات تحصیل میباید و شش کرو در مالیات ایران وصول
 میشود در او فانی که در يك سمب ایران سیعیان را با فصاحت تمام از معاند
 خود بیرون میکشد در يك سمب دیگر يك حاکم بی انصاف تصدیق خود
 سیصد هزار تومان بر عیب حمر میکند

سی هزار نفر سرباز انگلیس سیصد کرو در جان را مسخر میکند
 و افواج فاعره از پیش روی بر کمان فرار میباید در حیسی که رعایای

يك ولايت از قحطی عله میبرند از عین ولایت هر جواد از زهور عله بواسطه
عدم مشتری در اشد فقر ما یوس مانده اند *

در سایر دول کالسکهای آتشی روزی سیصد و پنجاه فرسخ راه
میروند و در ایران چایارهای دولتی اغلب اوقات نصف مسافت را پیاده طی
میکند. مداخل اکثر کمپانیهای بلجیک از مداخل تمام دول ایران
بیشتر است. وقتی کسی حال ایران را با اوصاف هر يك تطبیق میکند، عریق
حیرت میشود که ناین همه نعمات طبیعی که خداوند عالم بایران عطا فرموده
اولیای این دولت باید چه قدر تدبیر کرده باشند که چنین ملکی را با چنین
دلت رسانیده باشند یعنی وزیرای سابق ایران هیچوجه نمیدانند یا
اصلاً شعور نداشته اند، یا حائن دین و دولت بوده اند و الا چگونه میشود که
سالها میان اسهمه معایب وزارت کرده باشند و معام رفع هیچیک از
آنها برخواستند باشند *

در ایران يك طاعون دولتی هست که تمام ولایات را گرفته حاصل
ملك را آتش میرند، ساد جمیع ساهای دولت را زیر و زبر میکند، شهرها
را سرنگون میسازد و ریشه آادی را از همه جا برمیکنند. این بالای مهیبر
که در سایر دول اردل و اشد درد بهامیامند، در ایران «مداخل» میگویند
و سالهاست که این مملکت را عریق دریای دلب دارد و زهور هیچیک از وزراء
رفع این بالای هلی را قابل التمام خود شمرده است *

کدامیک از حرایبهای ایران را گویم پریشانی لشکر، چه احتیاج به
ساز دارد، اعتشاش استیفاء، بیش از این چه خواهد بود؟

گرسنگی بوکر، بعدی حکام، دلبر عیب، هر چه و هر چه دستگاه دیوان،
افتضاح و خطر اب خار حد، همه این معایب از آفتاب آسکار تر است و چیزی

که رفع این حرایبها و سعادت ایران را در نظرها مجال ساخته است، عهلت
 و بی قبندی اولیای این دولت است چنان آسوده و مطمئن نشسته اند، که
 گویی راه تشویش ز آتاهرا ارسال دیگر بر ایران مسدود ساخته اند خیال
 میکنند که استعمال دولت و معاهد استعمال را قبول اندی گرفته اند و حال
 آنکه چنین بیست اعتشاش همدانند، خواهد بود، صدمات فرنگ روس را
 همیشه مشغول خواهد داشت، روش پولطیکهای ملی برای خاطر هیچکس
 تعیر نخواهد یافت آن در باجها، فارس، مازندران، عربستان، این گلستان
 های آسوده را از مدعی دارند اگر ندانید سکوت این مدعی ها بچه های
 نازیك رسیده، همین ایطور آسوده خواهد شد حد آبرور را نصیب
 پادشاه اسلام نماید که پنجمین ارور را بهمید که کشتی دولت نکجا
 رسیده و نکجا هرود ولی هر افسوس که اعتماد ما بر اوضاع گذشته، ما
 را سکی از اوضاع حالیه عاقل ساخته است.

حسب کلیه مدارک مروری آقاخان اس بود که عهد حاقان معمر
 رامیران آئین مملکت داری فرار داده بود متصل اعمال آن ایام را شاهد
 می آورد و معایب آن عهد را سبب ترقی عهد خود فرار میداد، خیال میکرد که
 واقعاً عهد حاقان معمر سی سال قبل از این بوده است عاقل از این بوده که از آن
 عهد تا امروز با صد سال گذشته است همش آسیرا در پیش خود نگذارید تاریخ
 این صد سال گذشته را باز نمایند و روش این دو سیل هایل را که از کلکته
 و بطور نورع رو بایران راه افتاده، درست تحقیق نمایند و نه بسید این
 دو سیل که در اول محسوس بودند در اندک مدت بعد برنگ شدند چه
 سهرها را احزاب کردند و چه دولت ها را عرق نمودند؟ و بس از تحقیق هر
 گاه بخواید که خود را از عهد عوام فی الحمله نالا تر نکشید و از آن

بلندی، درجه سرعت این دوسیل را که از یکطرف به ترییر و امشرا نباد
رسیده و از طرف دیگر داخل هراب و سیستان شده معین نمائید و بعد
بعن بگوئید که از عمر این دولت چند دقیقه باقی مانده است؟

و درای ایران، قدمت تاریخ ایران را صد حمیع بالاها میداند هر
چه فریاد میکی سیل رسید، میگویند، سه هزار سال است همیشه طور بوده
ایم و بعد از این هم خواهیم بود!

سرکار وزیر، آنوقت که شما در آسیا بطور دلخواه خود سلطنت
میکردید، آنوقت کسی دوپست فرسیح را هرا در ده ساعت طی نمی
کرد آنوقت که انتظام دولت را به وقر بی معنی و قطر شکم میداستند
آن ایام هدتی است گذشته است حالا در سه هزار فرسجی ایران يك
قلعه آهی میسارند و میآیند محمره را در دو ساعت مهدم میکند حالا
در مقابل افتدار دول همجوار به العاط عربی نگر میآید، به استخوانهای
احدادی، حالا چیری که لارم داریم علم است و بصرت* هزار قصیده عربی
حفظ داشته باشید و هزار فرمان بحاجت ابرار نمائید، باز خواهی فهمید
که دولت سارداینا که از آذربایجان کوچکتر است و ده سال قبل از
این دوارده کرور مالیات داشت، چطور شد که حالاسی کرور مالیات دارد؟
میدانم خواهید فرمود ولایت را نظم دادید، مردم را آسوده ساختند،
مملکت را آباد کردند این العاط را زدیف کردن آسان است، اما وقتی
که از شما پرسد راه آنادی ولایت کدام است، همان العاط بی معنی را
خواهید گفت که هر احمعی در هرایام گفته است.

عقل تنها برای وزارت این ایام کافی نیست امیر را آقاخان از اغلب

وزرای فرنگ بلاشك عاقلتر بود، باوصف این هر گاه ادبی محرر وزارت
خانه های فرنگ، بحای میرزا آقاخان (وزیر) میشد هر از بار بهتر از او وزارت
میکرد. اگر بیک رعیت بسیار عاقل دهان سیستان کسی بگوید درده
ساعت از کرمان میتوان رفت بهر آن، خواهد حسدید.

اگرچه اکثر از رجال دولت علیه بر حسب بحامت با دو بیست نفر
فرانسه راه میروند و اگرچه بر حسب فهم دو هر از بیست شعر عربی میداند ولی
در هر اسم بر فیاض مملکت داری از سیستانی هر روز هیچ فرقی ندارند مثلاً
هر از بار فریاد بکنید که در دو سال مالیات ما را بندگان را میتوان با کمال
آسانی بدو کرور رسانید، باز خواهد گفت در ایام انوشیروان هم چنین
چیز بوده است، ولی در ایام انوشیروان لفظ انگلیس وجود نداشت حالا
چند نفر تاخر انگلیسی در خانه خود می نشیند و بهمان تدابیری که شما
میکر هستی در بر بجز از هر سحی وطن خود بهتر ده معادل دولت انوشیروان
را مطیع و مملوک خود میکند. ولی اکثر عماید و اعمال ملل فرنگ در
ظاهر خلاف عمل میماند ولی اگر ما بخواهیم فقط به عمل طبیعی خود حرکت
کنیم منتهای ترقی ایران مثل ایام کیومرث خواهد بود.

علم و رای عمل است، هر گاه اوصاع فرنگ را بحالت چهار هزار
سال قبل از این برگرداند، و در رای ایران برور عمل خود عالم را مسح
خواهد کرد اما هر روز در حه اجتماع علوم شری بحائی رسیده که عمل طبیعی
در تصور آن حیران است.

مثلاً هر گاه دو هزار نفر آدم بساز عاقل ایرانی جمع بشود و
با یکسال با هم بحال بکنند که نایک حه حراسه، بعضیاً در اولن نقطه
آن معطل خواهد ماند عمل فرنگی بهیچوجه بیشتر از عمل ما نیست،

حرفی که هست در علوم ایشان است و قصوریکه داریم این است که هنوز
 فهمیده ایم که فرنگی ها چقدر از ما پیش افتاده اند. ما خیال میکنیم که
 درجه ترقی آنها همانقدر است که در صایع ایشان می بینیم و حال آنکه
 اصل ترقی ایشان در آئین تمدن بروز کرده است و برای اشخاصی که
 از امران بیرون برفته اند، محال و ممتنع است که درجه این نوع ترقی
 فرنگ را نتوانند تصور نمایند این مطلب عمده را نمیتوانم بیان کنم
 مگر به تشبیه مطالب ما بوسه کارخانهات یورپ بر دو نوع است يك
 نوع آن را از احسام و فلزات ساخته اند و نوع دیگر از افرادی نوع انسان ترتیب
 داده اند مثلاً از چوب و آهن يك کارخانه ساخته اند که از يك طرف پشم میر برند
 و از طرف دیگر ماهوت بر میدارند و همچنین از سی نوع انسان يك کارخانه
 ساخته اند که از يك طرف اطفال بی شعور میر برند و از سمت دیگر مهندس
 و حکمای کامل بیرون می آورند محصول کارخانهات فلزی کم و بیش
 در امران معروف است، مثل ساعت و نهك و تلگراف و کشتی بخار، از
 وضع ترتیب این قسم کارخانهات فی الجملة اطلاعی داریم اما
 از تدابیر و همیه که فرنگیها در کارخانهات انسانی بکار برده اند،
 اصلاً اطلاعی نداریم ملاحظه کنید که الان در لندن يك کارخانه هست
 که اگر از پانصد کروڑ مالیات دیوان کسی ده تومان محورد، در آن کارخانه
 لامحاله معام می شود و بی درباریس چنان کارخانه هست که اگر در
 میان هفتاد کروڑ هس، یکی ظلم بشود حکماً در آنجا بروز میکند و
 همچنین کارخانه دارند وقتی که ده کروڑ پول در آنجا بریزند بعد
 میتواند صد و هس کروڑ پول بعد از همان کارخانه بیرون بیاورند
 و خرج کنند

ملل یوروب هر قدر که در کارخاهاجات و فلرات ترقی کرده اند، صد مراتب بیشتر در این کارخاهاجات اسابی پیش رفته اند. زیرا که اختراعات صنایع فزونی، اغلب حاصل عمل یکسر یا نتیجه احتیاج چند نفر از ارباب صنایع بوده است و حال آنکه این کارخاهاجات اسابی حاصل عقول و احتیاج کل حکمای روی زمین است. مثلاً هرگز نیست مهندس جمیع شده اند که يك کارخانه ساعت سازند، اما حال هزار سال است که در انگلیس و فرانسه سالی هزار هزار عقلا و حکمای ملت جمع میشوند و در تکمیل کارخاهاجات اسابی مباحثات و اختراعات تازه میمایند از این يك نکته میتوان استنباط کرد که فرنگیها باید چند در این کارخاهاجات اسابی ترقی کرده باشند حال چیری که در ایران لازم داریم این کارخاهاجات اسابی است مثل کارخانه مالیات، کارخانه لشکر، کارخانه عدالت، کارخانه علم، کارخانه امین، کارخانه انتظام و غیره هرگاه بگوئیم ما اینها را داریم سهو عربی خواهیم کرد و اگر خواهیم ما خودمان بشیم و این نوع کارخاهاجات اختراع نکنیم مثل این خواهد بود که خواهیم اریس خود کالسه آتشی سازیم در فرنگ میان این کارخاهاجات اسابی يك کارخانه دارند که در مرکز دولت واقع شده است و محرك جمیع سایر کارخاهاجات میباشد این دستگاه سررک را «دستگاه دیوان» مینامند

هر کس که خواهد فهمد عمل اسابی قابل چه محراب میباشد باید این دستگاه دیوان را تحقیق کند. نظم و آسایش و آبادی و بررگی و جمیع ارباب یوروب از حسن تراب این دستگاه است. حدیقه اگر فرصاً این دستگاه معظم علی العمله از دول فرنگ برداشته شود، همان

ساعت تمام ممالک هر يك بصورت بلوچستان خواهد افتاد و صبح و اصول
 این دستگاه خیرت انگیز که خلاصه نتایج عقول بشری میتوان گفت، در
 ایران نکای محمول است در اختراعات صنایع هر قدر که از ملل هر يك
 عقب افتاده ایم، در این عمر ترتیب دستگاه دیوان صد مرتبه بیشتر عاقل
 و دور مانده ایم زیرا که مادر این دوسه هزار سال در عوالم صنایع
 فی الحمله ترقی کرده ایم، چنانکه عوض بر و کمان توپ و تفنگ داریم
 ولی در علم ترتیب دستگاه دیوان اصلا ترقی نکرده ایم چنانکه دو هزار
 سال قبل از این هر طور مالیات می گرفتیم امروز هم بهمان طور میگیریم
 رسم حکومت و تقسیم ولایات و ترتیب اسبها و عموم شقوق عمده اعمال
 دیوان هنوز در حالت سه هزار سال قبل از این باقی هستند، بلکه تزلزل
 کرده است با براس ملاحظاتی احیای دولت ایران موقوف بر يك نکته
 واحد است و آن ایست که اولیای دولت این حقیقت و اصیح را اعتراف
 نمایند که دستگاه دیوان در ایران سه هزار سال عقب مانده است و ملل
 یورپ در آن سه هزار سال چنان دستگاهی اختراع کرده اند که سبب
 آن بادستگاه دیوان ماملل سبب کشتی صد و بیست توپی است باورق
 های ترکمان هر و زبری که مگر این حقیقت باشد من او را کدخدای
 ده خود نخواهم صاحب پس هر گاه راست است که نظم دولت موقوف
 بنظم دستگاه دیوان است و هر گاه قبول دارید که دستگاه دیوان در ایران
 سه هزار سال عقب مانده است، پس لابد باید مرم فوی کمر هم را در تجدید
 دستگاه دیوان بسندید یا اینکه بهول رئیس مجلس شورای^۱ نادانان صحیح و

۱ - تعرض به سر القوه رئیس شورای دولتی دارد و در بان کتابچه هم

همگام انداز شدن از عوالم رهن صارت و مضمون را تکرار میکند .

کتاب خود را از دست ندهید و لیکن دیگر نگویید که ایران نظم بردار نیست
 بگویند که معایب هر از ساله را چگونه میتوان رفع کرد ؟ بدانتدو و الحلال
 عالم، بحق اولیای اسلام، سمک سدگان شاهنشاهی که دولت ایران را در
 سه ماه میتوان بندر سه هزار سال ترقی داد ولی به آن رسمی که شما
 پیش گرفته اید* اگر شما بخواهید که راه ترقی را بعمل خود پیدا نمائید
 باید سه هزار سال دیگر مانتظر نمایم*

راه ترقی و اصول نظم را فرنگیها در این دو سه هزار سال مثل اصول
 تلغرافیا پیدا کرده اند و بر روی يك قانون معین ترتیب داده اند*
 همانطوریکه تلغرافیا را میتوان از فرنگ آورد و بدون رحمت در
 طهران نصب کرد، همانطور نیز میتوان اصول نظم ایشان را اخذ کرد و
 بدون معطلی در ایران برقرار ساخت و لیکن چنانکه مکرر عرض کردم
 و بار هم تکرار خواهم کرد، هر گاه بخواهید اصول نظم را شما خود
 اختراع نمائید مثل این خواهد بود که بخواهید علم تلغرافیا را از پیش
 خود پیدا نمائید*

— آقای فصول

بشاید ماهیچ میل نداریم که دین خود را از دست ندهیم ما
 هر وقت بخواهیم کافر بشویم شما را حذر میکنیم و فواین فرنگرا
 هر طوری که بخواهیم اخذ میکنیم اما حالا رحمت بی فایده میکشید
 خدا ما عمل داده است و هیچ احتیاج ندرس فرنگی نداریم
 گذشته از اینها اینحال ایران است، اینچارنگ نیست که هر کس هر چه بخواهد
 مخبری ندارد، علما و مجتهدین بوسیله از سر ما میکنند* تو بحیال این

نظمهایی که میگوئی، ما نمیدانیم هیبت آنها بظن ما میدانیم که پدر
 هر نگی هم عهش بر سینه است اما چه فایده ماهر از درد داریم که تو از
 هیچ کدام خبر نداری اسحا ایران است رفیق نمیشود امکان نیست
 محال است

ب سرکار وزیر!

این حرفها مدتی است گفته شده است، بیچاره مجتهدین را بی
 حبه متهم نکیند، بار الان در ایران هر گاه کسی هست که معنی نظم
 یورپ را عهش، میان مجتهدین است و انگهی از کجا فهمیدید که اصول
 نظم و ریک خلاف شریعت اسلام است من هر گاه قرار نگذارم که مستوفیان
 دیوان پول دولت را کم بچورند، مجتهدین چه حرفی خواهند داشت؟
 ترتیب مناصب دیوانی چه مناسبات شریعت دارد، انتظام دولت منافی
 هیچ مذهب نیست، مگر مذهب آن اشخاصی که بر رگی ایشان حاصل و
 ودلیل اعتشاس اوصاع است معایب دستگاه دیوان در ایران بر هیچکس
 معنی نیست و مراتب اعتشاس اوصاع تا بحال بدر کفایت شکافته شده است
 اکنون باید دید که رفع معایب ایران و تنظیم دستگاه دیوان چگونه
 میسر خواهد بود بجهت شرح و تفهیم این مطالب عمده اول باید بعضی
 اصطلاحات اصول مدن را که در ایران چنداں معروف نیست
 مختصراً بیان کنیم

آن دستگاهی که در میان يك ملت مستقل مستأ امر و نهی میشود
 آنرا حکومت میگویند در هر قومی که از حالت وحشی بیرون آمده است
 لامحاله يك حكومتی هست حکومت چندر کیب مختلف دارد هر گاه
 در یک طایفه حکومت کل در دست یک نفر باشد و اجرای حکومت در خانواده

آن حکومت موروثی باشد ترکیب آن حکومت را سلطنت میگویند و اگر حکومت یکطایفه موافق یک فرار معین بوقت سوب باشخاص منتقل شود ترکیب آن حکومت را جمهوری مینامند هر حکمی که از حکومت صادر شود و مسی بر صلاح عامه طایفه باشد و اطاعت آن بالمساوی بر افراد طایفه لازم بیاید آن حکم را «قانون» میگویند حکومت مرکب است از دو نوع اختیار یکی اختیار وضع قانون و دیگری اختیار اجرای قانون سلطنت دو ترکیب دارد

در هر حکومتی هم اختیار وضع قانون و هم اختیار اجرای قانون در دست پادشاه است ترکیب آن حکومت را سلطنت مطلق گویند مثل سلطنت روس و عثمانی *

و در حکومتی که اجرای قانون با پادشاه و وضع قانون با ملت است ترکیب آن حکومت را سلطنت معتدل^۱ مینامند مثل انگلیس و فرانسه نظم و پیشرفت حکومت بعدانی این دو اختیار تدابیر دقیق و دستگاههای معظم دارند اوضاع سلطنتهای معتدل بحالت ایران اصلاً مناسبی ندارد^۲ چیریکه برای ما لازم است بحقیق اوضاع سلطنتهای مطلق است

سلطنت مطلق منظم مثل روس و نهمه^۳ و عثمانی اگرچه پادشاه هر دو اختیار حکومت را کاملاً بدست خود دارد ولیکن بحکم نظم دولت

۱ - اصطلاح سلطنت معتدل را بجای سلطنت مشروطه استعمال کرده است *

۲ - خون مصود ملکم از تألیف ابن رساله راه امی شاه ووب به ایجاد

نظم و ترتیب و وضع قانون بوده است از طرح موضوع سلطنت معتدل راه مشروطه

خود داری کرده است * ۳ - آتش *

* هر کس معنی این صفحه را بفهمد از باقی کتابچه هیچ نخواهد فهمید مؤلف

و حفظ قدرت شخصی خود این دو اختیار را هرگز مخلوط هم استعمال
نمیکند هرگز نمیشود که سلاطین روس و نمسه بوررای خود اختیار بدهند
که هم وضع قانون بکنند و هم اجرای قانون این دو اختیار از هم دیگر
فرق کلی دارند

در سلطنتهای مطلق غیرمطلق فرق این دو اختیار را نمیبیندند و
هر دو را مخلوط هم استعمال میکنند و در هر سلطنتی که این دو اختیار
مخلوط بوده و در آن همیشه بر سلطان مسلط بوده اند و در سلطنت مطلق
هر قدر این دو اختیار جدا بوده قدرت پادشاهی بیشتر و دستگاه
حکومت مطلق تر بوده است دلیل اینصورت واضح است زیرا که در ظهور
حکم پادشاهی دو چیز ملاحظه میشود یکی اجرای اراده و یکی دیگر
طریقه اجرای اراده

مثلاً وقتی پادشاه حکم می کند که از فلان ولایت باید سالی صد
هزار تومان گرفته شود ندیده است که این مالیات را بهر چه قسم میتوان
گرفت ولی اگر بخواهد از روی فاعده بگیرد لازم می آید که اول فاعده
را مشخص بکند

پس این حکم پادشاه دو عمل عمده لازم دارد یکی گرفتن مالیات،
یکی تعیین فاعده گرفتن مالیات

هر گاه این دو عمل را پادشاه بیک شخص بدهد شخص او گذارد
ندیده است که این اشخاص مالیات را بخواهند گرفت اما بهر طریقی که
مناسب صلاح شخص خود بداند و ممکن نیست که بواسطه تعیین قواعد
مناسب، اختیار عمل خود را محدود بکنند ولیکن پادشاه اگر چند نفر
را مخصوصاً بکار بگمارد که فاعده تحصیل مالیات را تعیین کند و بعد

موافق همان قاعده چند نفر دیگر را مأمور تحصیل مالیات نماید
 آنوقت واصعی قاعده بواسطه عدم سمعت شخص خود کفایت
 مأمورین تحصیل مالیات را نوعی معین خواهد کرد که راه تقلب
 مسدود و عمل دیوانه بعد از امکان منظم باشد و بر تصور
 نرماند که يك سرداری را با پنجاه هزار نفر مأمور يك ولایت نکند
 هرگاه این پنجاه هزار نفر محکوم هیچ قاعده نباشد معلوم است که
 حالت لشکر چه خواهد بود و اگر وضع قانون موقوف بمیل سردار
 باشد نارمیل این است که هیچ قاعده نباشد ولیکن هرگاه تکالیف سردار
 مربوط و شرایط تربیت عساکر را چند نفر از خارج معین نمایند آنوقت
 لشکر منظم خواهد بود تا این قاعده کلیه ممکن نیست که در برای یک دولت
 برای عمل خود قاعده وضع نمایند، مثلاً در هیچ دولت دیده نشده که
 وزیر امور خارجه بیاید و بگوید من بعد از این خود را در عمل وزارت
 محکوم فلان قاعده خواهم داشت و بعد از این هم هرگز دیده نخواهد
 شد که امر حاکم بمیل خود حقوق سرب و سرهنگ را معین نماید در
 ممالک آسیا همیشه اجرای حکم و عمل تعیین قاعده اجرا هر دو محمول
 بر راء بوده است، و بواسطه در این صحاح هرگز دول منظم دیده نشده
 است، و راء محکم پادشاه را محرم داشته اند موافق هر قاعده که خود
 خواسته اند و بواسطه اجتماع این دو عمل هم مانع نظم دستگاه حکومت
 بوده و هم اغلب اوقات سلاطین را مطیع اراده خود نموده اند اما در فریک
 سلاطین مطلق مثل امرا طوور روس و غیره بواسطه تفریق این دو عمل حکومت
 چنان آسانی فراهم آورده که اراده ایشان منظمه مطیع محرم میگردد
 و در برای ایشان تا کمال ساط نمیتواند بعد از دره از تکالیف خود تجاوز

نمایند بجهت حصول این مقصود دودستگاه علیحده ترتیب داده اند :

یکی دستگاه احرا

و دیگری دستگاه تنظیم

شرح اراده پادشاهی و تعیین شرایط احرای آب بوعهده
دستگاه تنظیم است و احرای اراده مزبور موافق شروط معین محول
بدستگاه احراست

مثلاً هرگاه پادشاه بخواهد بیست فوج سرباز تازه بگردد اول
اراده خود را بدستگاه تنظیم میفرستد که در آنجا تفحص کند که این
بیست فوج را از کجا و موافق بچه شرایط باید گرفت هرگاه قرار و شروط
دستگاه تنظیم پسند رای پادشاه بیفتد آنوقت قرار را میفرستد بدستگاه
احرا که موافق شروط معین محری ندارد، دستگاه احرا که عبارت است
از مجلس وزراء کاری ندارد مگر احرای اراده پادشاهی موافق شرایط
تنظیم، هیچ وزیر نمیتواند اراده پادشاهی و شروط احرای آن را بمیل
خود تغییر بدهد مثلاً هرگاه باقتضای اراده پادشاهی در دستگاه تنظیم
معین کرده اند که مالیات فلان ولایت باید موافق فلان شرایط گرفته شود
وزیر مالیات باید بقطعه بقطعه اطاعت نماید اگر شرایط مزبور بظن وزیر
مالیات مشکل و معیوب بیاید از پادشاه استدعا نماید که بحکم يك اراده تازه
شرایط مزبور را در دستگاه تنظیم تغییر بدهد و هرگاه پادشاه تغییر شرایط
مزبور را مایل نباشد وزیر مالیات باید حکماً شرایط مزبور را محری
دارد یا اینکه از وزراء خود استعما نماید بواسطه ترتیب این دودستگاه
ممکن نیست که يك دولت بی نظم بماند زیرا که بی نظمی دولت حاصل
تجاوزات وزراء و عدم تحدید تکالیف عمل دیوان است و باوجود این دو

دستگاه محال است که راه تجاوزات باقی و تکالیف اعمال دیوانه غیر
معین بماند *

سابقاً در ایران هیچیک از این دو دستگاه درست نموده است، بعد از
عزل میرزا آقاجان دستگاه احرا پیدا شد این دستگاه جدید اگر
چه تا بحال مصدر هیچ فایده ظاهری نشده است اما در معنی ترقی دولت
را بلاشک بقدر صد سال پیش انداخته است و اینکه تا بحال مجلس وزراء
فایده محشیده سب آن واضح است و این سب دحلای باحرای مجلس
ندارد هر کس عرایض سابق را بدقت ملاحظه کرده است تا سانی خواهد
فهمید عیب مجلس وزراء در کجاست، عیب این مجلس در این است که عمل
احرا و عمل تنظیم را با هم مخلوط کرده اند و با وجود این حالت هر گاه
این شش نفر وزیر شش نفر فرشته باشند باز ممکن نخواهد بود که
معشوش کلوی نکند الا تکالیف هیچیک از وزراء معین نیست تا این معنی
که هر وزیر مختار است که حکم پادشاه را به هر طریق که میخواهد محری
میدارد و فرصاً پادشاه حکم کرده که امور حکومتی ولایت را نظم
بدهید ندیبهی است که بجه انتظام این امور باید فو این صریحه وضع شود
اولاً وزیر داخله فرصت و صعب این قواین را نخواهد داشت

ثانیاً محال است که يك وزیر از روی میل دائره اعمال خود را
بواسطه وضع قواین محدود نکند سهل است قابلیت و کفایت وزیر

۱ - بعد از عزل میرزا آقاجان وظائف صدارت بس چند وزارت
خانه تقسیم شد و برای بعضی بار صورت ساده ای از هیئت وزراء ترتیب یافت و
همین پیش آمد بعد از آمد اصلاح اوضاع برشان را داد ولی اصرار پادشاه در
حفظ رسوم استبدادی درین این تصورات را برودی از خاطر هار خود *

هر قدر بیشتر باشد در رفع قوا پس زیادتر خواهد کوشید این قاعده دجلی
 باشخاص ندارد هر کس وزیر باشد خواه سلرود^۱ خواه میر را آقاخان^۲
 بحکم طبیعت در مدد این خواهد بود که بواسطه رفع عوائق قوا بین قوه
 دایره اختیار خود را وسعت بدهد این است در هیچ ملک و درای عاقل
 طالب نظم نبوده اند برخلاف این چون اجرای دستگاه تنظیمات از
 اعشاش امور بهره نمی برند و کفایت خود را نمی توانند حلوه بدهند
 مگر بوضع قوانین باین حبه شد و در فکر رفع اعشاش و مریدان نظام هستند
 مثلا هر گاه پادشاه حکم سکند که چایار حانه دولت را نظم بدهد
 چون اجرای این حکم مایه مرارت و ورید داخله و وریر مالیات خواهد بود
 یا این حکم را بهر از دلایل باطل خواهد کرد باینکه در اجرای آن صد
 قسم موانع خواهد تراشید

اما اگر دستگاه تنظیمات نظم چیر حانه را بهره بهره مشخص
 نماید و شروط نظم این عمل را بحکم پادشاهی بر عهده مجلس اجرا
 گذارد آ بوقت هر وریریکه این عمل باو تعلق دارد یا با بحکم پادشاه را
 موافق شروط دستگاه تنظیمات بعهده معطله محری ندارد یا اینکه از منصب
 و دراز استعفا کند تا بر تفصیل فوق و سانه تحریرات چهار هزار ساله
 هر يك آسکار و مسلم است که بدون بفریق دستگاه تنظیمات از دستگاه

۱ - سلرود سانه مدار روس است که سیاست خارجی دولت روس را از
 زمان الکساندر اول تا سکسلاوی اول اداره مکرده شهرت او از کنگره و نه
 ۱۸۱۶ آغاز گشت .

۲ - در آقاخان بوری صدر اعظمی است که پس از میرزا تقی خان
 بواسطه عدم لیاقت سیاسی اسباب انحطاط دولت ایران را از هر حیث فراهم
 آورد .

احرا هیچ دولت نظم نخواهد گرفت و هیچ پادشاه از اجازت ناطی و زرای خود مستحصر و مستخلص نخواهد بود دستگاه تنظیمات معنی نظم دول است و بحال دولتی ایران سسته باحداث دستگاه تنظیمات است مادام که این دستگاه اصلی در ایران باقی است و رحمت پادشاه و وزراء بهیچ حاصل خواهد بود اگر وزراء بر خطر اب دولت واقف هستند و بعد در دره تعصب و غیرت ملی دارند باید بلا درنگ بمقام تاسیس این دستگاه برخیزند و الا از این مشورت های بی دریغی هیچ چیز حاصل نخواهد شد مگر مریدانه محالمت وزراء و ظهور عدم کفایت ایشان.

در تاریخ ایران می بینیم که نوشته اند هفت هزار وزیر نامی ایران چهارده شب و روز باهم مشورت کردند و دلیلیکه از عمق کفایت خود یادگار گذاشته اند این بود که در تمام روی زمین منتشر کردند که بعد از این هر چه دولت ایران بگوید باید ناور کرد زیرا که محال عمل و خلاف طبیعت خواهد بود که بعد از این هم نتایج بروز کند مقصود من اصلا تسبیح و زرا نیست عیب مجلس و زرا چنانکه گفتم داخلی باشخاص و زرا ندارد عیب در وضع عمل است مقصود من از این همه تفصیل بروز عیب بوده چنانکه می بینیم رفع این عیب و احیای دولت موقوف بچه نوع ندانم است پیش از اینکه داخل شروع این مطلب بشویم یکجوابی دیشب دیده ام از برای شما نقل می کنم

۱ - مآسایه از روی تواریخ فارسی سوانشتم به این موضوع می بینیم ولی از برای نظر مریدانه که این عیب منوط باحزای مواعده و بنامی بود که از طرف پادشاه بعد از عزل مریدان آماجان بودی از طار سرعت و مجلس و زرای آن عسر گویا در شعبه مشورت خویش به این قصه رای داده باشد.

صبح رود بود تازه از خواب بیدار شده بودم در فکر تحریر باقی مطالب فوق بودم یکدفعه خود را در میان چند نفر آدم دیدم که به تعجبیل رو بندر خانه^۱ میرفتیم پارچه بهر بودیم و در دست هر يك از ما حکمی بود بخط دیر الملك ناین مصموم « بیا که شاه خواسته است » وقتی بحضور مبارک رسیدیم و دیدیم دانت اقدس همایون شاهشاهی بر تحت خود نشسته اند و حرما هیچکس حضور ندارد بعد از دقیقه تا عمل يك آهنگ قوی فرمودند شما را برای مهم معظمی خواسته ام دولت ایران مملو اعتشاشن بوده رای همایون برفع اعتشاشن قرار گرفت از امروز اختیار حکمرانی را بدو حرو علیحده منقسم می دادیم اجرای حکم ما بر عهده و رراسب، تعیین شرایط اجرا را بر عهده شما می گذارم

اول حکمی که بر شما اعلام می کنم این است که با همت قوی در مقام انتظام ایران ایستاده ایم و بمرم تمام حکم می نمائیم که بعد از این دولت اسلام معظم و دوران اعتشاشن در ایران منتهی باشد معرر می داریم که امروز بالاستمرار در دیوان تنظیم جمع آئید و قوایین اجرای این حکم مطلق ما را مشخص نمائید هر قابوسی که بسته برای ما باشد اعضاء همایون ما اجرای آن را بر عهده مجلس و ررا مهرر خواهد داشت شما در دیوان تنظیم همگی همشان و در اختیار رئیس خود مختار خواهید بود بروید و بداید که توحه ملوکانه بتاییح عبرت و کفایت شمارا منتظر اسب

همسکه از حضور شاهشاهی مرخص شدیم در دیوان تنظیم جمع آمدیم و اول یکی از ما را که پیری بود جهان دیده رئیس مجلس قرار

دادیم این پیررنده دل پس از ترتیب مجلس چنین گف ای آقایان محترم
 امروز آرزوی مرا بهایت است و حوالان همت شمارا بدایت، مشرق حلال
 ایران مورد شد و احیای دولت اسلام محتمل آمد، خوش حواسی و ابواز
 داش شما مرا از انتظام ملك مطمئن دارد ولی رشد افکار و تقدیم مقاصد
 شما را مانع عطیمی می بینم شاهنشاه دین پناه شما را از عموم صوف و
 جاگران خود منتحب فرموده اند اغلب شما در عین حواسی و صاحب
 مباحث حر و هستید و می دابید که در ایران سال کهن و ریش طویل چقدر
 مایه اعتمار است بررگان این دولت قطر شکم و پوست کمر خود را اسند
 عمل خود قرار داده اند و هر گر حایر بخواهند شمرد که شعور حواسی
 محترم تر از حماقت بحاجت باشد سایر این بجه رفع حسد بررگان و دوام
 آسایش مجلس ما تدبیری که بحاطرم می رسد این است که هیچیک از ما
 قبول جلال ظاهری نماید و ما همگی خائب شخص خود را بحدی محصر
 نگاه داریم که بررگان دولت بحیال طمع شعل ما بیفتند حلال مباحث
 وید کهای مرصع و افواج فراش و هرهای تشخص و حمیع برر گیها که آدمرا
 در ایران از قابلیت شخص مستعی میداند مخصوص بررگان ما بداند قسمت
 ما محصر شرح احکام شاهنشاهی و تحریر قواین باشد هرگاه این
 تکالیف مرا قبول نمائید احتمال است که ما را آسوده نگذارند و الا عصبیت
 یا مجلس ما را نکلی مسوح خواهند ساخت و یا اینکه شما را که نه ریش
 بلند دارید و نه نوکر زیاد از ایها بیرون خواهند کرد

و عوص علوم و کفایت شما این مجلس را بر خواهد کرد از آن

الدنگهای موقر که از هیچ به ظاهر و گار حصر ندارند و انتظام دولت را در مریدان تکر
 و حلال میداند گفتار رئیس را کل اجرای مجلس بحقیق کردند و بالاتفاق

قسم یاد نمودند که در کویچه ها بایک نفر نوگرو راه بروند و در سایر مقامات نیز موافق این میراث حرکت نمایند و بعد از این مقدمه کتب قوانین جمیع ملل را بمیان آوردند و از روی اصول انتظام دولتی بمای تحریر قانون را گذاشتند تا مدتتی هر روز يك قانونی بحضور اقدم شاهنشاهی میسر دیم هر کدام را که پسند میسر نمودند معصی میداشتند و هر نکته را که اشاره میسر نمودند همان ساعت موافق میل شاهنشاهی تغییر میدادیم چون ترتیب این قوانین بعهدۀ من بود اغلب آنها را بحاضر دارم و چون معانی و ترتیب آنها زیاده از حد تلازگی داشت ذکر بعضی از آنها بحالی از مساست نخواهد بود

قانون اول بر برکت حکومت دولت ایران

فقره اول - ترکیب حکومت دولت ایران بر سلطنت مطلق است

فقره دوم - سلطان ایران شاهشاه است

فقره سوم - منصب شاهنشاهی، الارث بحط مستقیم در اولاد ذکور

شاهشاه اعظم ناصرالدین مهرر است

فقره چهارم - اجرای حکومت ایران بر قانون است

فقره پنجم - اختیار وضع قانون و اختیار اجرای قانون هر دو حق

شاهنشاهی است

فقره ششم - اعلیحضرت شاهنشاهی این دو اختیار را توسط دو

مجلس علیحده معمول میدارد

فقره هفتم - اجرای قانون و اداره امور حکومت بر عهده

مجلس وزارت

فقره هشتم - وضع قوانین بر عهده مجلس تنظیمات است.
فقره نهم - ریاست مطلق این دو مجلس حق مخصوص
شاهنشاهی است

فقره دهم - عزل و نصب جمیع عمال حکومت جزو اختیار احرا
حق مخصوص شاهنشاهی است

قانون دوم بر شرایط وضع قانون

فقره اول - وضع قانون واعمال قانون موقوف به شرط است
شرط اول - قانون باید بیان اراده شاهنشاهی و متضمن صلاح عامه
حلق باشد

شرط دوم - قانون باید در مجلس تنظیمات با اتفاق کل احرای
مجلس نوشته شده باشد

شرط سوم - قانون باید به مهر سلطنت مهور و با امضای شاهنشاهی
رسیده باشد

شرط چهارم - قانون باید بر زبان فارسی و عبارات واضح نوشته
شده باشد

شرط پنجم - قانون باید در دفتر قانون نویسی شده باشد

شرط ششم - قانون باید اسم و عدد معین داشته باشد

شرط هفتم - قانون باید در روزنامه دولتی اعلان شده باشد

فقره دوم - هر حکمی خارج از این هفت شرط باشد قانون نیست

قانون سیم بر حقوق ملت

فقره اول - قانون در کل ممالک ایران در حق جمیع افراد رعایای ایران حکم مساوی دارد

فقره دوم - هیچ شغل و هیچ منصب دیوانی موردی نیست
فقره سوم - آحاد رعایای ایران حمیماً در مناصب دیوانی حق مساوی دارند .

فقره چهارم - از رعایای ایران هیچ چیز نمیتوان گرفت مگر بحکم قانون

فقره پنجم - هیچیک از رعایای ایران را نمیتوان حبس کرد مگر بحکم قانون

فقره ششم - دخول حدری در مسکن هیچ رعیت ایران حایر نخواهد بود مگر بحکم قانون

فقره هفتم - عماید اهل ایران آزاد خواهند بود

فقره هشتم - مالیات هر ساله بحکم قانون مخصوص گرفته خواهد شد^۱

۱ - این چند سطر را هر کس بخواند خیال خواهد کرد که چه بد است
چون در معاشنا اسطر را عرض می کنم که برای همین چند سطر دولت فرانسه هشت
کرور آدم نام کرده هر کس معانی این چند سطر را فهمیده است معلوم شود
که ده سال عمر خود را صرف این مطالب کرده است . مؤلف

قانون چهارم در باب مجلس تنظیمات

فقره اول - مجلس تنظیمات هر یک است از اعلیحضرت شاهنشاهی، سه روز شاهراده، بارده هر مشیر، هشت روز وزیر

فقره دوم - عزل و نصب اجرای تنظیمات بالا واسطه تعلق با اعلیحضرت شاهنشاهی دارد

فقره سوم - حضور و راء در مجلس تنظیمات اختیاری خواهد بود
و ره چهارم - جمیع قوانین دولت باید در مجلس تنظیمات با تفاق جمیع اجرای مجلس نوشته شود

فقره پنجم - جمیع قراردادهای عمده چه بر امور تجارت چه در امور مالیات و چه بجهت آبادی مملکت باید در مجلس تنظیمات تحقیق شود و با امضای مجلس برسد

فقره ششم - حکم مجلس افلا امضای ده روز مشیر را لازم دارد
فقره هفتم - مواظبت اجرای قانون بر عهده مجلس تنظیمات است
فقره هشتم - تحقیق شکایات رعایا از عمال دیوان راجع بمجلس تنظیمات است

فقره نهم - جمیع مشیران مجلس همشان هستند

فقره دهم - اعلیحضرت شاهنشاهی بحسب انتظام دروسی مجلس تنظیمات از میان مشیران يك نفر را رئیس مجلس قرار خواهد داد، لقب رئیس این مجلس تنظیمات صدر المشوره خواهد بود

تعیین قواعد اجرای این قانون بر عهده مجلس تنظیمات است

قانون پنجم در تقسیم اختیار اجرا

ماده اول - اعلیحضرت شاهنشاهی اختیار اجرا را در هشت نفر وزراء تقسیم دارند اول وزارت عدالت، دوم وزارت امور خارجه، سوم وزارت امور داخله، چهارم وزارت جنگ، پنجم وزارت علوم، ششم وزارت تجارت و عمارت، هفتم وزارت مالیات، هشتم وزارت دربار

ماده دوم - اداره هر يك از این هشت وزارت محول بیک وزیر است

ماده سوم - ترتیب هر يك از وزارت حاکمانها از روی يك قانون

معیین است^۱

قانون ششم در رسد مجلس و دربار و تکالیف کلیه ایشان

ماده اول - مجلس و دربار مرکب است از وزیر عدالت، وزیر امور خارجه، وزیر امور داخله، وزیر جنگ، وزیر علوم، وزیر تجارت و عمارت، وزیر مالیات، وزیر دربار

ماده دوم - رئیس مجلس اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی است

ماده سوم - اول تکلیف و دربار احراء قانون است

ماده چهارم - دربار خارج از قانون هیچ کاری نباید اقدام نکند

۱ - این لفظ قاعده را با لفظ قانون شده کرد این دو لفظ با هم هیچ ربط ندارد شرایط قانون در قانون سوم مقرر است و شرایط قاعده در ماده (۷۹) مؤلف

فقره پنجم - کل وزراء همشان هستند.

فقره ششم - هیچ وزیر نمیتواند در کار وزیر دیگر مداخله کند.

فقره ششم - حدود تکالیف هر يك از وزراء بحکم قانون مخصوص

خواهد بود

فقره هشتم - مواجب هر يك از وزراء شش هزار تومان خواهد بود

فقره نهم - وزراء حق خواهند داشت هر قانونی که لازم داشته

باشد وضع آنرا به مجلس تنظیم نمایند

فقره دهم - وزراء حق خواهند داشت که بحسب انتظام خدمات

محواله خود هر قاعده که مناسب بداند وضع نمایند ولیکن موافق شرایطی

که در قانون معتاد و بهم مقرر است^۱

فقره یازدهم - هر وزیر در صورت عجز خود در اجرای قانون

فی الفور از وزارت خود استعفا نماید

فقره دوازدهم - وضع قاعده انتظام درونی مجلس وزراء بر عهده

رئیس وزراءست

قانون دهم لراحمای دولت ایران

فقره اول - اجرای حاکم دوات قتل است

فقره دوم - هر وزیریکه در امور حکومت خلاف قانون نماید

حاکم دولتی است

فقره سوم - در میان چاکران هر کس هزار دینار رشوه یا پیشکش

۱ - قاعده را با قانون نهاد مشتمل کرد . مؤلف

بگیرد عائن دولت است

فقره چهارم - هر کس در مال دیوان تقلب نماید حائن دولتی است

فقره پنجم - تحقیق و حکم حیات و زراعت در عهد مجلس

تطبیقات است

قانون باردهم بر اجتماع قوای دولت

فقره اول - مجلس تطبیقات در مدت یکسال کل احکام شرعی

و دولتی که متعلق با امور مملکت داریست جمع خواهد کرد و بواسطه

اجرای شروط قابوییت حر و قوایین دولت خواهد صاحب

فقره دوم - مجلس تطبیقات در مدت یکسال هر قابویی که بجهت

تکمیل مجمع قوایین دولت لازم است خواهد نوشت و بواسطه اجرای

شروط قابوییت حر و قوایین دولت خواهد صاحب

فقره سوم - مجلس تطبیقات در مدت یکسال جمیع قوای دولت

را در پنج مجموعه تقسیم خواهد کرد و اجتماع قوایین هر يك پنج مجموعه

را يك قانون نامه علیحده قرار خواهد داد

فقره چهارم - تقسیم و اسامی این پنج قانون نامه از این قرار

خواهد بود

اول حقوق نامه دوم دیوان نامه سوم خراسانه چهارم نظامنامه

پنجم اداره نامه *

فقره پنجم - هر يك از این قانون نامه هم خواهد بود تا بوقت

وصول و فقرات

- فقره ششم - هر باب و هر فصل يك اسم مخصوص خواهد داشت
 فقرة هفتم - هر فقرة يك عدد معين خواهد داشت
 فقرة هشتم - اين پنج قانون نامه در چاپ خانه دولتي با اسم
 چاپ خواهد شد
 فقرة نهم - سيد حقوق در دولت ايران منحصر باین پنج قانون
 نامه خواهد بود

قانون دوازده در زمان نرسد و رارتخانهها

- فقره اول - عدد و مبالغ و مواجب و تكاليف جميع عمال
 وزارت خانهها بحكم قوانين مخصوص معين خواهد شد.
 فقرة دوم - هيچ وريري مادون نخواهد بود كه عدد عمال وزارت
 خود را بدون اجازه يك قانون مخصوص زياد يا كم نمايد.
 فقرة سوم -
 فقرة چهارم - هيچ وريري نمي تواند مواجر و مواجر را بغير بدهد
 فقرة پنجم - هر وزارت خانهها يك دائره تعلم خواهد بود
 فقرة ششم - هر كس خواهد صاحب مبالغ بشود بايد دو سال
 در دائره تعلم خدمت بگردد
 فقرة هفتم - اجرائي دائره تعلم بپيچ و خه مواجب نخواهد داشت
 فقرة هشتم - هر كس خواهد داخل دائره تعلم بشود بايد اقلا
 سايزده سال داشته باشد، زبان فارسي را كاملا بداند، حساب بداند هندسه
 بداند، جغرافيا بداند، تاريخ بداند.

- فقره نهم - علوم فوق بجهت دخول جميع وزارتخانهها باگزير
است ولي بجهت هر وزارتخانه علوم مخصوصه علاوه خواهد شد
- فقره دهم - بجهت درجات علوم و طريقه امتحان طلاب دايره
تعليم قانون مخصوص مقرر خواهد شد
- فقره يازدهم - هيچ صاحب منصب نمیتواند بمصوب بالاتر برسد
مگر بعد از دو سال خدمت درمقصي که دارد
- فقره دوازدهم - استثنای این فقرات ممکن نخواهد بود مگر به
اقتضای ضرورت حکمی و بحکم فرمان شاهشاه
- فقره سیزدهم - هيچيك از صاحب مناصب ديوان از نوکري اجزاج
خواهد شد مگر بحکم قانون شصت و سه
- فقره چهاردهم - اسم مواجب باعين مطابق خواهد بود
- فقره پانزدهم - مواجب صاحب مناصب سه ماه سه ماه در سر وعنده
بدون تحلف داده خواهد شد

قانون نست و چهارم بر ترتيب وزارت امور خارجه

- فقره اول - وزارت امور خارجه از اين قرار منقسم است
دايره مخصوص وزارت، دايره امور دولتي، دايره امور تجارتي،
دايره برحمه و خطوط زهر، دفتر ثبت و ضبط، دفتر رسوم و تشریفات،
دفتر محاسبه و ترتيب اجراء، فراشخانه وزارت

فقره دوم - درجات اجزای وزارت اداری فراراست

وزیر، نائب، مشی، مخرج، کاتب، معتمد تعلم، فرایش، باشی، فرایش

فقره سوم - رئیس هر دایره نایب است و رئیس هر دفتر ناظم
فقره چهارم - کار دایره مخصوص وزارت از این قرار است مکاتبه
شخصی وزیر، امورات محصیه، وصول و ارسال بوشتهجات دولتی، ترتیب ملاقات
سمرات و ارباب رجوع نا وزیر، بیرون نویسی مطالب عمده برای حضور
شاهنشاهی

فقره پنجم - اجرای دایره مخصوص وزارت از این قرار است

یک نایب، یک ممشی، یک مترجم، دو کاتب

فقره ششم - کار دایره امور دولتی از این قرار است بوشتهجات
دولتی، عهدنامهجات و سایر واردادهای دولتی، سرحدات، رد و فراری، تربیت
و مواظبت مأمورین خارج

فقره هفتم - اجرای دایره امور دولتی از این قرار است یک نایب،

دو ممشی، سه کاتب، چهار محرر تعلم

فقره هشتم - کار دایره امور محارب از این قرار است تربیت
امور فوسولهای خارج و اتساع آنها، عهدنامهجات و واردادهای تجارته،
مطالبات بحار خارجه، مواظبت امور بحار ایران در خارج

فقره نهم - اجرای دائرة بحارب از این قرار است یک نایب، دو

ممشی، سه کاتب، سه محرر تعلم

فقره دهم - کار دایره ترجمه و خطوط زمرار این قرار است

ترجمه و بوشتهجات السه خارجه در زبان فارسی، ترجمه فارسی بالسسه
خارجه، ترجمه مکالمات، ترجمه خطوط زمرر، تحصیل اطلاعات خارجه
فقره یازدهم - تربیت اجرای دایره ترجمه از این قرار است یک

مترجم نایب، سه مترجم ممشی، چهار مترجم کاتب، پنج مترجم محرر

فقره دوازدهم - کار دفتر ثبت و ضبط از این قرار است ضبط و ترتیب اصول و سواد جمیع مکاتبات وزارت ، تحصیل عهد نامهجات و مستندات دیپلوماطیک دول خارجه ، ضبط جمع قواعد و رازیهات ، بیان اطلاعاتی که بحقه خدمات دیوان از وزارت خارجه بخواهند دادند تذکره ، امضای مطابقت اصل با سواد

فقره سیزدهم - ترتیب اجرای دفتر ثبت از این قرار است يك ناظم ، يك مشی ، دو کاتب ، سه محرر تعلم

فقره چهاردهم - کار دفتر رسوم و تشریفات از این قرار است نوشتن عهد نامهجات ، اختیار نامهجات ، قرار نامهجات ، تصدیق نامهجات ، نامهجات شاهشاهی ، حل مسائل شریعات و امتیارات و حقوق مامورین خارجه و تهیه ملاقات رسمی

فقره پانزدهم - ترتیب اجرای دفتر تشریفات از این قرار است يك ناظم ، يك مسی ، دو کاتب ، دو محرر

فقره شانزدهم - کار دفتر محاسبه از این قرار است اداره کل تحووه که برای محارج سالیانه در محاسن تنظیمات معین میشود ، ایصال مواجب جمیع اجرای وزارت ، سب عدد و مناصب جمیع اجرای وزارت ، محارج سفر و انعام ، محارج چاپار ، محارج حقیقه ، عارفان دولتی ، مسمری

فقره هجدهم - اجرای دفتر محاسبه از این قرار است يك ناظم ، يك کاتب ، يك محرر

فقره هیجدهم - فراسخانه وزارت مرکب است از يك وراثتشناسی و ده فرانس

فقره و نوزدهم - اس و ناظم را اعلیحضرت شاهشاهی معین میفرماید ،

سایر احزاب و وزیر موافق قانون فلان معین میکند

فقره بیستم - موافق اجرای وزارت از این قرار است وزیر
شهرار تومان ، نایب هزار و پانصد تومان ، ناظم هزار تومان ، مشی
پانصد تومان ، کاتب سیصد تومان ، محرر تعلم هیچ ، مترجم هر یک از
این درحاضر دارد سه عشر علاوه بر موافق اصلی خود خواهد گرفت ،
محرر مترجم صد تومان ، فرانسوایی صد تومان ، فرانس چهل تومان .
فقره بیست و یکم - مامورین خارج از اجرای وزارت خارجه
منتخب خواهند شد

فقره بیست و دوم - آب وزارت سائن وزیر مختاری دارد
فقره بیست و سوم - اجرای این قانون بر عهده وزیر امور خارجه

اسا

قانون نسبت و ششم در تقسیم ممالک ایران

فقره اول - کل ممالک ایران سی قطعه تقسیم خواهد شد
فقره دوم - اسم هر یک از این سی قطعه ولایت خواهد بود
فقره سوم - هر ولایت منقسم خواهد بود بدو الی سه ایالت
فقره چهارم - هر ایالت منقسم خواهد بود بدو الی پنج ناحیه
فقره پنجم - هر ناحیه منقسم خواهد بود بدو الی پنج بلوک
فقره ششم - لقب رئیس اداره هر ولایت والی خواهد بود ، لقب

۱ - یعنی اگر این قانون را مجری ندارد معکوم قانون دهم خواهد بود
بدیهی است صکه اگر اجرای این قانون بطور وزیر مشکل ناممکن باشد باید همان
ساعت از وزارت اسامه باشد مؤلف

رئیس اداره هر ایالت باید الایاله ، لقب رئیس اداره هر ناحیه قائم مقام ، لقب رئیس اداره هر بلوک مشرف خواهد بود

فقره هفتم - عزل و نصب این سی و آلی از جانب اعلیحضرت شاهشاهی خواهد بود

فقره هشتم - تعیین رؤسای تہسیمات ولایت با اطلاع وزیر داخلہ در اجتناب والی خواهد بود

فقره نهم - در هر ولایت یک مجلس اداره خواهد بود موافق قانون پنجم

فقره دہم - اجرای این قانون بر عہدہ وزیر داخلہ است

قانون نسیب و ہتہم بر ترتیب وزارت امور داخلہ

فقرہ اول - وزارت امور داخلہ منقسم است بہشت دایرہ
دائرہ مخصوص وزارت، دایرہ ادارہ ولایات، دایرہ صغیہ، دایرہ
زراعت، دایرہ حسیہ، دایرہ چابارخانہ، دایرہ آسیہ، دایرہ محاسبہ

قانون نسیب و ہتہم بر ترتیب دایرہ صغیہ

فقرہ اول - در ایران پنچہزار صغیہ خواهد بود

فقرہ دوم - این پنچہزار سر بنا صغیہ منقسم خواهد بود بہ

۱ - چون این دایرہ ہا ہنوز منقسمہ دار ہستند ، ہر دایرہ یک قانون مخصوص وضع شدہ است .

پانصد دسته ده نفری

فقره سوم - مباحث صسطیه از این قرار خواهد بود امیر صسطیه،
کلاستر، صابط، داروغه، نایب داروغه
فقره چهارم - هر دسته محکوم يك داروغه و هر درجه محکوم
درجه بالای خود خواهد بود

فقره پنجم - در هر ولایت يك کلاستر، در هر ایالت يك صابط در
هر ناحیه يك داروغه، در هر بلوک يك نایب داروغه خواهد بود
فقره ششم - اس سی هر کلاستر محکوم امیر صسطیه و امیر صسطیه در
وزارت داخله رئیس دایره صسطیه و محکوم وزیر داخله خواهد بود
فقره هفتم - بر عهده دایره صسطیه دو قسم خدمت است اصساط
عدلیه، اصساط حیطیه^۱

فقره هشتم - اجرای این قانون بر عهده وزیر داخله است.

قانون سی و نهم برترنس دیوانخانه

فقره اول - در دولت ایران سه قسم دیوانخانه خواهد بود
اول دیوان اصلاح، دوم - دیوان عدلیه، سوم دیوان اعلی^۲
فقره دوم - در هر ولایت يك دیوان عدلیه خواهد بود
فقره سوم - در هر ناحیه يك دیوان اصلاح خواهد بود.
فقره چهارم - در کل ایران يك دیوان اعلی خواهد بود و محل

۱ - مکاتب مأمورین صسطیه و میان این دو قسم اصساط محول می‌باشد
و است و صد و سی و یکم است - مؤلف
دیوانخانهها و رسم مرادف در موان بر تپوی معین شده است - مؤلف
۲ - حدود اختیار این

دیوان اعلی در سمر سلطنت خواهد بود

فقره پنجم - دیوان اصلاح مرکب است از یک نفر دیوان بیکی، دو نفر مصلح

فقره ششم - دیوان عدلیه مرکب است از چهار نفر قاضی، یک نفر موکل، یک نفر رئیس، هشت نفر فراس

فقره هفتم - لقب رئیس دیوان عدلیه حاکم دیوان عدلیه است

فقره هشتم - دیوان اعلی مرکب است از یک نفر رئیس، ده حاکم، یک نفر موکل، دو نایب موکل، پنج نفر فراس

فقره نهم - لقب رئیس دیوان اعلی امیر دیوان خواهد بود

فقره دهم - عزل و نصب رؤسا و موکلان دیوان تعلق با علیحضرت اقدس شاهشاهی دارد^۱

فقره یازدهم - اداره جمیع دیوان حاکمهای دولت بر عهده وزیر عدالت است

قانون سی و ششم در ترتیب وزارت عدلیه^۲

قانون سی و هفتم در قدرت عسکریه ایران

فقره اول - در دولت ایران دو قسم لشکر خواهد بود^۳ لشکر

۱ - برای ترتیب این دیوانها علاوه بر مواردی ترتیبی در این معصل وضع شده، مؤلف

۲ - در این وزارت عدالت را با دمامی گری مشتمه کرده اند مؤلف

۳ - در باب ترتیب لشکر قانون صدور سی را ملاحظه فرمائید مؤلف

عازم، لشکر قائم

فقره دوم - لشکر عازم مرکب است از چهل هزار نفر از اینقرار
بیست و پنج هزار سرباز، پنجاه هزار صطیبه، سه هزار توپچی، هفت هزار
سواره و مهندس

فقره سوم - لشکر قائم مرکب است از دو کروار سیاهی ۱۰

فقره چهارم - ایام خدمت سرباز عازم هفت سال است

فقره پنجم - بهائتین مناصب نظامی از این قرار است نایب، بهادر،
سلطان، ناو، سرهنگ، سر تیب، امیر، سردار

فقره ششم - در دولت ایران از دوآلی شش سردار وارد و آورده‌الی
پارده امیر خواهد بود

فقره هفتم - عدد سایر صاحب مناصب بالاتر از خواهد بود

فقره هشتم - تکالیف و حقوق و ترتیب دو قسم لشکر ایران موقوف
بقوانس نظامنامه است

فقره نهم - اجرای این قانون و اداره دو قسم لشکر ایران موافق
قوانین نظامنامه محول بوزیر جنگ است

قانون سی و هشتم بر ترتیب وزارت جنگ

فقره اول - وزارت جنگ مرکب است از دایره مخصوص وزارت،
دایره اداره، دایره بوجایه، دایره پیاده، دایره سواره، دایره مهندسی،
دایره مهمات، دایره محاسبه

فقره دوم - دایره مخصوص وزارت دو شعبه دارد. کار شعبه اول از این قرار است وصول و ارسال نوشتجات وزارت، وضع فواید نظامی، ثبت احکام نظامی، ترتیب اعطای نشان مباشر این شعبه رئیس اتعازور است

فقره سوم - کار شعبه دوم از این قرار است حرکات افواج، نظم و مشق افواج، تحقیق اوصاف کلیه افواج، خدمات متفرقه رئیس این شعبه آخودان باشی است

فقره چهارم - دایره اداره هشت دفتر دارد دفتر تحریریه، دفتر گرفتن سرناز، دفتر مواجب، دفتر آذوقه، دفتر ملوس و چادر و اسباب و اصطبل، دفتر حمل و نقل تهیه اسباب سفر، دفتر مرصحاته، دفتر مدارس نظامی

فقره پنجم - دایره توپخانه سه شعبه دارد شعبه تحریریه، شعبه اسباب، شعبه محاسبات

فقره ششم - دایره پیاده سه شعبه دارد شعبه افراد، شعبه اسباب، شعبه محاسبات

فقره هفتم - دایره مهندسی سه شعبه دارد شعبه افراد، شعبه اسباب، شعبه محاسبات

فقره هشتم - دایره مهمات چهار شعبه دارد شعبه قورخانه، شعبه حداحانه، شعبه ناروطخانه، شعبه محاسبات

فقره نهم - دایره محاسبات کلیه نظام نشن دفتر دارد دفتر حرابه، دفتر براب، دفتر مواجب، دفتر انعام و مستمری، دفتر محارح متفرقه،